

شوک‌های اقتصادی و اجتماعی برنامه دوم توسعه

از: محمد حمیدری

رئوس لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در نیمه دوم آن، و پس از بررسی مقدماتی در هیأت دولت، اعلام شد. این برنامه که زمان آغاز اجرای آن از اول سال ۷۳ (۴ ماه دیگر) خواهد بود اکنون در مرحله بررسی کارشناسی است و دیر یا زود مجلس شورای اسلامی بحث و بررسی خود را پیرامون آن آغاز خواهد کرد.

اگر گفته شود این برنامه با سایر برنامه‌های توسعه‌یی که در کشور ما اجرا شده تفاوت‌های بنیادی دارد، راه اغراق نیموده‌ایم زیرا صرف نظر از جنبه‌های اقتصادی آن، کلیه شئون زندگی ملت ما تحت تأثیر اجرای این برنامه قرار خواهد گرفت.

در بُعد اقتصادی اقلیمی که برای پنج سال توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شده و باید هزینه شود کلان و بی‌سابقه است. در براس این هزینه‌ها، برنامه دوم رسیدن به نصاب‌های تازه‌یی از تولید در صنعت، کشاورزی، معدن، بازرگانی و سایر زمینه‌ها را پیش‌بینی کرده است. برای پی‌بردن به حدود هزینه‌های پیش‌بینی شده، و نتایج مورد انتظار از این سرمایه‌گذاری‌ها ذکر چند نمونه را ضروری می‌دانیم:

● طی این ۵ سال رشد بهره‌بری کار در بخش صنعت به طور متوسط باید سالانه پنج درصد افزایش یابد و با اجرای مقررات استاندارد اجباری کالا برای چهارهزار کالا (علاوه بر سه هزار کالایی که اکنون استاندارد است) زمینه برای صدور ۸/۸ میلیارد دلار صادرات صنعتی فراهم شود.

● تولید محصولات پتروشیمی از ۴/۶ تن میلیون به ۱۰/۸ میلیون

تن افزایش یابد.

● تولید کامیون از هفت هزار دستگاه در سال به بیست هزار دستگاه برسد.

● تولید سنگ آهن از ۴/۵ میلیون تن به ۱۰/۵ میلیون تن افزایش یابد.

● حجم برداشت از آب‌های سطحی و زیرزمینی از ۹۳/۸ میلیارد متر مکعب به ۱۰۲/۸ میلیارد متر مکعب افزایش پیدا کند.

● برای ۲ میلیارد بشکه نفت خام قابل استحصال و ۶۰۰ میلیارد مکعب گاز، منابع جدید اکتشاف شود.

● ظرفیت عملی نیروگاهها از ۱۶۹۵۹ مگاوات به ۲۸۲۱۹

ارز از طریق صادرات به اقتصاد کشور تزریق کنند، طبیعاً به نظر می‌رسد در این برنامه مانند برنامه اول اتکای اصلی به درآمدهای نفتی خواهد بود.

در زمینه صنعت ما هم اکنون با رکود و بحران بی‌سابقه‌یی مواجه هستیم. از صنعت قدیمی نساجی گرفته تا صنایع نوپا، راندمان تولید در همه بخش‌ها بسیار پایین است. (۱)

طی سال‌های اجرای برنامه اول یکی از امیدهای اصلی برای توسعه صادرات کالاهای صنعتی پایین بودن دستمزد در ایران بود. در همین دوره با وجود اعطای

چند سؤال اساسی درباره برنامه دوم توسعه:

● آیا صدور ۸/۸ میلیارد دلار کالای صنعتی، با

وضع اسفبار کنونی صنایع، مقدور است؟

● آیا اقتصاد عمومی می‌تواند افزایش‌های

پیش‌بینی شده برای بهای خدماتی نظیر برق

و گاز را تحمل کند؟

● آیا می‌توان به درآمد نفت به عنوان منبع

اصلی تأمین هزینه‌های برنامه دوم اتکاء کرد؟

● آیا جامعه ما آمادگی روانی پذیرش تحولات

بنیادین ناشی از اجرای برنامه دوم را دارد؟

مگاوات افزایش یابد.

همین چند فاکتور کافی است که ابعاد گسترده برنامه توسعه دوم را نشان دهد و در عین حال حجم عظیم سرمایه‌گذاری لازم برای تحقق اهداف پیش‌بینی شده در آن را به نمایش بگذارد.

حال باید دید منابع این سرمایه‌گذاری عظیم کدام‌ها هستند؟

از آن جا که پیش‌بینی شده است که صنایع ۸/۸ میلیارد دلار

به منظور خرید مواد اولیه و لوازم یدکی چگونه می‌توان انتظار داشت طی سال‌های اجرای برنامه دوم ما از محل صدور محصولات صنعتی ۸/۸ میلیارد دلار درآمد ارزی داشته باشیم؟

● آینده‌نا امیدکننده قیمت نفت!

دورنمای تحصیل ارز لازم از محل فروش نفت برای تحقق بخشیدن به اهداف برنامه دوم هم امیدوارکننده نیست. هزار یک دلیل وجود دارد که مانع می‌شود به افزایش قیمت نفت دل ببندیم. در این جا فقط به یک دلیل آن اشاره می‌شود:

دیر یا زود عراق بار دیگر به جمع فروشندگان نفت خواهد پیوست و هیچ کس در این امر تردید ندارد که در آن روزگار عراقی‌ها برای تحصیل ارز، هر مقدار نفت و به هر قیمت که خریدار داشته باشد روانه بازار خواهند کرد.

عملکرد ناموفق اوپک طی سال‌های اخیر برای ملرم کردن اعضا به رعایت سقف تعیین شده تولید نیز هرگونه امیدی را برای ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای نفت، حتی در حدی که قیمت‌های کنونی ثابت بماند، نیز با تردید مواجه می‌کند.

بر مجموعه عوامل فوق باید بدهی‌های معوقه ایران به خارج را نیز افزود.

حجم این بدهی‌ها چه مبلغ، و شرایط بازپرداخت آن‌ها چگونه است؟

تا این زمان هیچ اطلاعی که روشن‌کننده حدود و ثغور این بدهی‌ها باشد از منابع رسمی دریافت نشده است.

در خوش‌بینانه‌ترین فرض، رقم بدهی‌ها حدود ده میلیارد دلار و در بدبینانه‌ترینشان بالای سی میلیارد دلار عنوان شده

سه‌میه ارز ۷۰ ریالی و ترجیحی (۶۰۰ ریالی) برای تأمین مواد اولیه و لوازم یدکی، بسیاری از صنایع نه تنها نتوانستند به یک حداقل بازار صادراتی دست یابند، بلکه از تأمین نیاز داخلی، و یا حتی رقابت با کالاهای مشابه خارجی هم عاجز ماندند.

اینک که نه از ارز ۷۰ ریالی و ۶۰۰ ریالی خبری است، و نه از نقدینگی کافی برای تهیه دلار ۱۷۰۰ ریالی و (احتمالاً بیشتر!)

است. بهره متعلقه به این بدهی‌ها خود نیز حدیث جداگانه‌ی است!

این شمای کلی آن شرایط اقتصادی است که پایه‌های برنامه دوم بر آن استوار خواهد شد. چنین شالوده‌یی می‌تواند فشار آن حجم عظیم سرمایه‌گذاری را تحمل کند؟

● جنبه‌های روانی برنامه دوم!

پیش از پرداختن به جنبه‌های دگرگون‌کننده برنامه دوم تأکید بر یک نکته ضروری است:

در یک رفورم اقتصادی، منابع مالی نقش تعیین‌کننده و درجه اول را ندارد. آن عواملی که چنین رفورم‌هایی را محکوم به شکست یا پیروزی می‌کند، در اموری چون برنامه‌ریزی صحیح، برآورد دقیق امکانات، بسیج اراده ملی، مدیریت خلاقه و نشاء گرفته از فرهنگ سومی (و نه تقلیدی)، انتخاب مناسب‌ترین شیوه‌های بهره‌وری در صنعت و کشاورزی و... نهفته است.

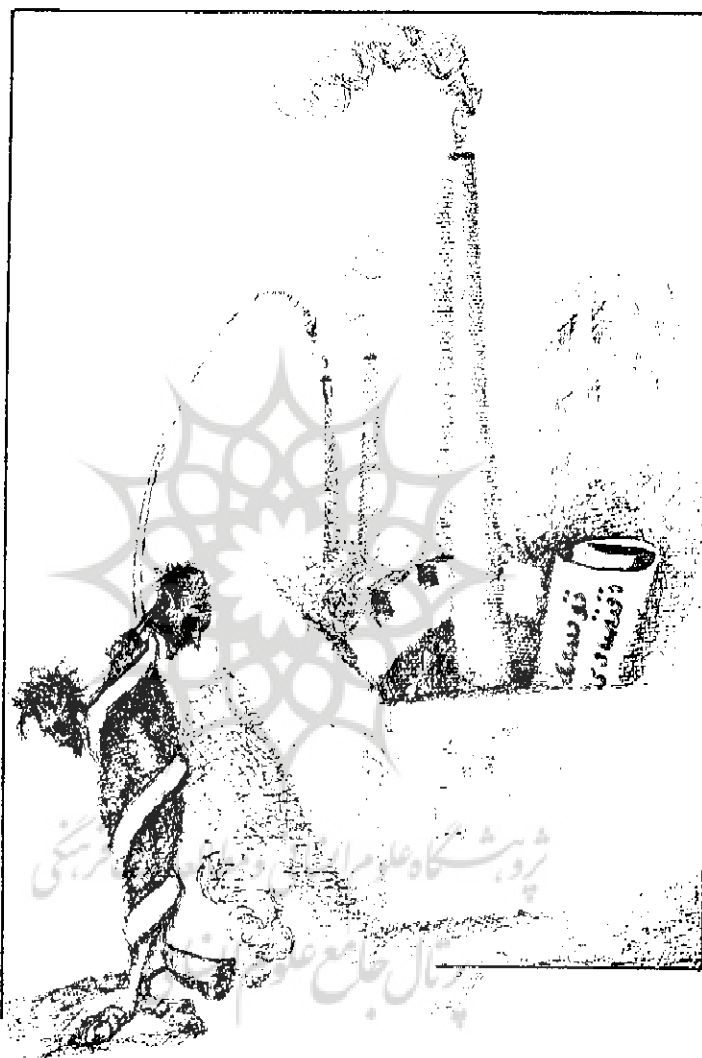
در دو سه دهه اخیر، ما شاهد دو شکل متضاد از توسعه در دو سوی جهان بوده‌ایم. برزیل و کره جنوبی، برزیل یا آن وسعت، تنوع منابع طبیعی و ثروت‌های بی‌حساب توسعه یافت اما به چه بهایی؟ برزیل صادرات صنعتی دارد، و محصولاتش هم تولید و صادر می‌کند که معترف پیشرفت تکنولوژیکی آن است. اما اقتصاد همین برزیل از بدهی خارجی هنگفت، تورم سرسام‌آور و تضادهای درونی که فساد دستگاه رهبری بارزترین نمودار آن است، در حال احتضار به سر می‌برد.

کره جنوبی در نطقه مقابل برزیل قرار دارد. منابع طبیعی و معدنی و ثروت‌های این کشور محدود بوده و هست. اما همین کشور سالی ۵۰ میلیارد دلار صادرات دارد که ۹۳/۵ درصد آن کالای صنعتی است (از ماشین‌آلات سنگین گرفته تا نرم‌افزارها و وسایل الکترونیکی)، و جالب است بدانیم کره جنوبی برای رسیدن به این توان بالای

صنعتی و صادراتی که درباره‌ی زمین‌ها کوس رقابت با آمریکا و ژاپن را هم می‌زند، فقط بیست میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است! (۲)

مسیرهای تازه‌یی برای حرکت برگزیند.
● شوک‌های اقتصادی و اجتماعی
سوی موارد فوق، نکات قابل

نقد و بررسی برنامه توسعه دوم یک ضرورت و یک وظیفه ملی است



تأمینی در کلیات برنامه دوم توسعه به چشم می‌خورد که جز با داشتن یک روحیه خوشبینی مفرط، نمی‌توان از کنار آن‌ها گذشت و احساس نگرانی نکرد. به چند مورد اشاره می‌کنیم:

● چهارماه پس از تصویب این برنامه، دولت لویسچی برای اصلاح قوانین و مقررات مربوط به تأمین اجتماعی و چند مورد دیگر را تهیه و به مجلس تقدیم خواهد کرد. در این لوایح استقرار

از این قرار، فقدان منابع مالی را نباید به عنوان مانع عمده در راه تحقق هدف‌های مورد انتظار از برنامه دوم توسعه تلقی کرد، بلکه آن چه جای تأمل دارد نحوه نگرش تهیه‌کنندگان این برنامه از «توسعه» و انتخاب راه‌های رسیدن به آن است. نگرش که حتی نخواست، و یا نتوانسته ضعف‌های اجرای برنامه اول را مورد بازبینی قرار دهد، به اشتباهات پی ببرد، ترمیم کند و

نظامات جدیدی بر روابط کار در بخش‌های دولتی و خصوصی پیش‌بینی خواهد شد. افزایش یا کاهش دریافت‌های کارکنان دولت و بخش خصوصی بدون قید و محدودیت با بالارفتن و پایین آمدن کارایی آنان متناسب خواهد شد. هزینه‌های مربوط به تأمین اجتماعی و امکانات رفاهی از هزینه‌های حقوق و دستمزد تفکیک، و تأمین اجتماعی فراگیر توسط دولت و به هزینه مشترک کارگر و کارفرما تأمین می‌شود.

● وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه خواهد یافت بیمارستان‌ها و مراکز توانبخشی خود را بر اساس قراردادهایی که با هیأت امناء واجد شرایط منعقد می‌کند، با پرداخت بخشی از هزینه سرانه خدمات به آن‌ها، به صورت غیردولتی اداره کند.

● به دولت اجازه داده می‌شود طی سال‌های اجرای برنامه قیمت ارائه خدمات پستی و مخابراتی را افزایش دهد. همچنین دولت اجازه خواهد داشت قیمت‌گذاری خدماتی را که خود ارائه می‌دهد با اعمال تعرفه‌های تصاعدی افزایش دهد. (۳)

آیا جامعه ما آمادگی پذیرش این تغییرات بنیادین را دارد و می‌تواند چرخشی صد و هشتاد درجه‌یی در روابط میلیون‌ها کارگر و کارفرما (در بخش خصوصی) و کارمند دولت (در بخش دولتی) را بدون مواجهه با چالش‌های عمیق اجتماعی بپذیرد؟

آیا آن تغییراتی که بر سیستم تأمین اجتماعی و امکانات رفاهی طبقه کارگر و کارمند وارد خواهد شد، چنان سنجیده و حساب‌شده هست که وضع را از آنچه هست بدتر نکند؟

آیا با واگذاری همین تعداد بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دولتی (که حداقل خدمات راهم ارائه می‌کنند) به هیأت امناء، قشر آسیب‌پذیر از لحاظ درمانی در بین بست قرار نخواهد گرفت؟ آیا لویسچی که قرار است طی

بقیه در صفحه ۶۵

از پشت صحنه نمایشگاه

انجام کار نو وقت می‌گذارد خوب صحبت کن. اگر مترجمی در انجام رسالت خود و برگرداندن دقیق و درست متن اصلی به زبان خودت گوشا باش چون اگر مطلب را درست ننویسی و صحیح الفبا نکنی، ممکن است حتی باعث جنگ بین دو کشور بشوی. اگر سزول هر وظیفه‌بی در نمایشگاه هستی، فکر کن که جزئی هستی از یک کل، برای شناساندن مملکت خودت در دنیا. و اگر بازدیدکننده

متخصص نیستی، بگذار متخصصین از این نمایشگاه برای بهبود کمی و کیفی صنایع و تولیدات ایران، و بسته‌بندی و تبلیغ و صدور آنها، استفاده کنند. و با حداقل فقط به نمایشگاه بیا، تا حاصل تلاش هموطنانت و تازه‌های سراسر جهان را ببینی و اگر کیسه نایلونی و خودکار هم به تو ندادند، بدون آنها به خانه برگرد، بیش از آنکه حیثیت ایرانی بودن خود را به خاطر چند اشانسیون بی ارزش به خطر بیندازی. و بالاخره اگر روزنامه‌نگار هستی، سعی کن

مطالب نمایشگاه را خوب* تهیه و تنظیم کنی، و احساس کنی که اگر در انجام این رسالت آنطور که باید نکوشی شاید در دنیا بازتابی علیه ایران و ایرانی داشته باشد.

پس بیایید اصالت فرهنگی خود را بازیابیم. بیایید اول گوش کنیم که همکار ما، همسایه ما، دوست ما، ارباب رجوع ما، رئیس ما، مرنوس ما و... چه می‌گویند، سپس پاسخ مناسب و بدون توهین و صحیح بدهیم. و اگر سطح فرهنگی او پایین است، به او نیز کمک کنیم تا فرهنگ خود را بالا

برد و اصالت فرهنگی خویش را بازیابد.

امروز باید همه به خودمان و به یکدیگر کمک کنیم، تا به نمایشگاه را، که جامعه ایرانی را، بهتر بسازیم. خیلی بهتر از دیروز و شاید بهتر از کشورهای پیشرفته دنیا. مگر نه که ما می‌خواهیم از جهان سوم بودن در بیابیم و این انگ را از پیشانی خود پاک کنیم و به دنیا ثابت کنیم که می‌شود جهان سوم نبود؟ به امید آنروز.

ان‌شاء‌الله.

شوک‌های اقتصادی...

چهار تا شش ماه پس از تصویب قانون برنامه توسعه دوم تهیه و به مجلس تقدیم شود، آن قدر جامع و مانع خواهد بود که اجازه دهد جامعه ما خود را با این شرایط جدید و بی‌سابقه و ناشناخته، یکباره و بدون شوک دیدن، تطبیق دهد؟

آیا سازمان‌ها، مدیران و نیروی انسانی عظمی که باید کار حذف نظامات ف. ب.م و استقرار شرایط جدید را فراهم کنند، در دسترس هست؟

و بالاخره آیا جامعه‌یی که ارزش پول ملی آن در برابر پول‌های خارجی ۲۴/۳ برابر

کاهش یافته (دلار ۷۰ ریالی در مقابل دلار ۱۷۰۰ ریالی و با بیشتر) و تورم مداوم آن را دچار روزمرگی معیشت کرده، توان تحمل تورم‌های پیش‌بینی شده در برنامه دوم توسعه را دارد؟ همین «اما»ها و «آیا»هاست که وظیفه دشواری را در برابر بررسی‌کنندگان نهایی لایحه مورد بحث، یعنی نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار داده است. در ماه‌های باقیمانده سال جاری مجلس دو برنامه وقت‌گیر در پیش دارد: یکی تصویب بودجه سال ۷۳، دیگری بررسی همین لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

اگر حتی در این مدت هیچ لایحه دیگری در دستور کار مجلس قرار نداشته باشد، باز زمان برای بررسی کارشناسانه و نقادانه این لایحه کافی نیست. این کمبود وقت و امکانات را کارشناسان مسائل اقتصادی و اجتماعی و نیز رسانه‌ها می‌توانند جبران کنند.

هر کس در ارزیابی و نقد این برنامه، و ارائه نظریات اصلاحی و روشنگر تردید کند، در واقع نسبت به ادای یک وظیفه حیاتی تردید کرده است.

۱- «در بخش پارچه‌بافی ظرفیت ما حدود یک میلیارد و صد تا دو بیست میلیون متر پارچه است و الان عملاً از هفتصد میلیون متر هم کمتر تولید می‌کنیم. - حجت‌الاسلام

دری نجف‌آبادی نقل از نشریه «مجلس و پژوهش» شماره چهارم، سال اول.

۲- همان مأخذ، صفحه ۲۰.
۳- در لایحه برنامه دوم توسعه پیش‌بینی شده که «تنظیم مناسب قیمت‌ها و اعمال نرخ‌ها و تعرفه‌های فروش به صورت تصاعدی و فصلی به نحوی که متوسط فروش گاز طبیعی (شامل عوارض) به قیمت جاری از ۶ ریال در سال ۱۳۷۲ به ۱۰۲/۲ ریال در سال ۱۳۷۷ برسد» و «تنظیم و اعمال قیمت‌های فروش برق به صورت تصاعدی و فصلی، به طوری که میانگین نرخ فروش هر کیلووات ساعت برق در سال‌های ۷۷ - ۱۳۷۳ با احتساب عوارض مصوب به قرار ذیل باشد: ۳۳/۵ - ۵۵/۱ - ۶۹/۶ - ۸۷ و ۱۰۹ ریال».

فینال تکراری مسابقات

فعالیت خود را متوقف کردند و بقیه به اجبار میزان تولید خود را کاهش دادند.

پر واضح است صنعتی که با دلار حدود ۱۵۸۳ ریالی، و پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی به میزان ۷۰ ریال در ازای هر دلار، دچار رکود شود، وقتی مجبور باشد هر دلار را ۱۷۰۰ ریال بخرد و حقوق گمرکی و سود بازرگانی را هم به دلار ۱۷۰۰ ریالی بپردازد چه وضعی خواهد داشت.

دوم کشاورزی - سوبسیدهای تعدادی از نهاده‌های کشاورزی قطع شده است و به قراری که از قرائن بر می‌آید تعدادی دیگر هم قطع خواهد شد و به قول یک مقام عالی‌رتبه کشاورزی، این بخش نیز باید خود را با شرایط تعدیل اقتصادی و استفاده از ارز شناور تطبیق دهد. سؤال این است که دست‌اندرکاران بخش کشاورزی، و خصوصاً کشاورزان و دامداران

خرده‌پا، قادر به تحمل هزینه‌های جدید خواهند بود؟

سوم تجارت - افزایش قیمت‌ها قدرت خرید مردم را باز هم کاهش داده است. فروشنندگان و تجاری که مورد پرسش خبرنگاران ما قرار گرفته‌اند عموماً گفته‌اند با رکود بی سابقه‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند. بسیاری از آن‌ها از هم اکنون نگران هستند که آیا در سررسید تعهداتی که سپرده‌اند قادر خواهند بود وجوه چک‌ها و سفته‌هایشان را پرداخت کنند یا خیر؟

چهارم خدمات - بخش خدمات، خواهی نخواهی، از سه مورد بالا متأثر می‌شود. باید رنگ آرزان باشد و مردم قدرت خرید آن را داشته باشند تا بتوانند خانه و محل کار خود را رنگ کنند. یا قدرت خرید خانواده‌ها باید به آن اندازه باشد که علاوه بر هزینه‌های خوراک، درمان و ایاب و ذهاب میلی‌ها هم برای پرداخت دستمزد تعمیرکار تلویزیون و یخچال و اتومبیل کنار بگذارند، آیا

مردم در آینده چنین قدرت خریدی دارند؟ پنجم ساختمان - وضع بخش ساختمان حتی قبل از تحولات اخیر دچار رکود بود... پر واضح است که افزایش قیمت دلار، و دلاری شدن سود بازرگانی و حقوق گمرکی، موجب افزایش قیمت‌های تمام شده در این بخش نیز می‌شود. همین فاعده در مورد پروژه‌های عمرانی نیز صادق است و ما هم اکنون شاهد توقف اجرای تعدادی از این پروژه‌ها هستیم و بی‌شک این روند در آینده تشدید خواهد شد.

● و... بالاخره یک فرض:

یک فرض می‌تواند این باشد که بانک مرکزی به خاطر مقابله با سودجویی دلان ارز، قیمت انواع ارزها را افزایش داده است. حتی اگر هدف همین باشد، و بانک مرکزی (فرضاً) بعداً اقدام به کاهش قیمت ارزها کند، تأثیری که اقدامات اخیر بر بازار گذاشته، زایل نخواهد شد.